



عملیات خیبر؛ تغییر استراتژی عملیاتی آغاز مرحله‌ی نوین در جنگ تحمیلی

دکتر حسین اردستانی*

			در طول هشت سال دفاع مقدس راهبردهای عملیاتی گوناگونی برای برتری بر ارتش عراق طرح و اجرا شد. عملیات خیبر از جمله عملیات‌هایی بود که راهبرد عملیاتی قوای خودی را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد. مقاله‌ی حاضر با استفاده از منابع اختصاصی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به بررسی و چگونگی نقش عملیات خیبر در تغییر راهبرد عملیات ایران پرداخته است.		
			واژگان کلیدی: عملیات خیبر، استراتژی، جنگ ایران و عراق		

چکیده

مقدمه

عمل در صحنه جنگ، به نقاط ضعف دشمن نیز دست یابند تا از آن طریق مجدداً برتری لازم را به دست آورند. به همین لحاظ بعد از عملیات والفجر مقدماتی، پس از بحث‌ها و گفت‌وگوها و تأملاتی که انجام شد منطقه‌ی هورالهویزه برای عملیات بزرگ خیبر در سال ۱۳۶۲ انتخاب گردید.

عملیات خیبر ابتکار عمل بسیج در جنگ تحمیلی بود که تا آن زمان (سال ۱۳۶۲) نظیر نداشت. این منطقه می‌توانست جبهه‌ی خودی را دوباره از توانایی‌های سابق بهره‌مند ساخته و دشمن را با آن همه پیچیدگی در خطوط دفاعی و طرح‌های پاتک،

پس از فتح خرمشهر در ادامه‌ی اتخاذ استراتژی تنبیه متجاوز، جمهوری اسلامی تلاش زیادی برای تجدید روند پیروزی‌های نظامی در سال ۱۳۶۱ به عمل آورد، که به دلایلی این مهم امکان‌پذیر نشد. گرچه بعد از عملیات رمضان و تا اواخر سال ۱۳۶۲ ابتکار عمل در دست جبهه خودی بود، اما موفقیت چشمگیری به دست نیامد. زیرا رشد نیافتن سازمان رزم و پرداختن همه جانبه به مسأله جنگ، مانعی جدی برای اقدام لازم در مقابل ارتش کاملاً مدرن و تقویت شده عراق بود. با این حال رزمندگان اسلام با انجام حملات ایدایی متوسط و بزرگ سعی نمودند که ضمن ابتکار

* استادیار دانشگاه امام حسین^(ع) و مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

الف. اعلام وزارت خارجه امریکا در مورد تصمیم این کشور مبنی بر علنی کردن حمایت خود از عراق^(۱).

امریکا نگران پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ با عراق است^(۲). همچنین در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۶۲ ریچارد مورفی معاون وزیر خارجه این کشور در بغداد با صدام ملاقات کرد.

ب. تحویل هواپیماهای سوپر اتاندارد به عراق^(۳).

ج. تصویب قطع‌نامه ۵۴۰ شورای امنیت در مورد جنگ به تاریخ ۹ آبان ۱۳۶۲.

در این قطع‌نامه مفاد زیر به تصویب رسید:

محکوم نمودن نقض حقوق انسانی و تقاضای توقف فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدف‌های غیرنظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی.

خاتمه دادن به خصومت در منطقه خلیج فارس و احترام طرفین به تمامیت ارضی یکدیگر^(۴).

د. انفجار مقر تفنگداران امریکایی در بیروت^(۵).

مسأله مهم داخلی، اجرای مانور آزادی قدس در ۹۰ منطقه کشور بود که در پی اعزام لشکرهای قدس به جبهه صورت گرفت. این طرح به تدریج در تمام استان‌ها و شهرستان‌های کشور فراگیر و سیل نیروهای بسیجی، عازم جبهه‌های جنگ شد. به گونه‌ای که سازمان رزم محدود سپاه، لبریز از نیرو شد و برخی لشکرها ۲۵ گردان را علاوه بر گردان‌های سازمانی در خود جای دادند.

جایگاه عملیات در استراتژی نظامی ایران

از لحاظ استراتژی نظامی و اهداف آتی جنگ، عملیات خیبر به منظور تصرف بصره بود. جبهه‌های جنوبی به خاطر اهمیت‌شان در سرنوشت جنگ، در استراتژی نظامی از چند لحاظ مورد توجه واقع می‌شدند.

به عنوان مناطق واسط برای رسیدن به بصره.

به عنوان محل عملیاتی که مستقیم با هدف تصرف بصره انجام می‌شد.

از امکان مقابله با رزمندگان اسلام محروم سازد. زیرا دشمن تصور نمی‌کرد که ایران در هورالهویزه که دارای وسعت زیاد و فاصله قابل ملاحظه‌ای از ساحل تا هدف‌هاست دست به عملیات بزند. چون ایران طی چهار سال گذشته هیچگاه در آن‌جا اقدام به انجام عملیات آبی-خاکی نکرده بود.

تا قبل از انجام عملیات خیبر، رسانه‌های گروهی عراق و حامیان آن تبلیغات وسیعی را در مورد توانایی‌های ارتش عراق و جلوگیری از حملات ایرانیان آغاز کرده بودند و رژیم صدام صریحاً اعلام می‌کرد که هر گونه عملیات نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق را با شکست روبه‌رو خواهد ساخت. در این مورد،

در اواخر سال ۱۳۶۲ هیاهوی تبلیغاتی گسترده‌ای از سوی رادیوهای امریکا، بی.بی.سی، کلن، بغداد، اسرائیل و منافقین در مورد استقرار صدها هزار نفر از نیروهای ارتش و سپاه در جبهه‌های جنوبی بر پا شد و جالب اینکه تحلیل‌گران و مفسران این رادیوها محل‌هایی را برای عملیات آینده ایران پیش‌بینی می‌کردند. آن‌ها

اکثراً این منطقه را بصره و مناطق شرقی آن اعلام می‌کردند. در کنار این تبلیغات، بنا به آمار منتشره از سوی روابط عمومی فرمانده کل سپاه، ۴۷۴ طرح صلح از تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۲ (آغاز عملیات خیبر) تا ۳۰ مهر ۱۳۶۳ از سوی ۵۶ کشور مختلف جهان ارائه شد که خود بیانگر اهمیت فوق‌العاده عملیات خیبر و ایجاد تزلزل در بین حامیان منطقه‌ای و جهانی این رژیم است.

قبل از آغاز عملیات خیبر، در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای چند مسأله حائز اهمیت است:

رژیم صدام قبل از انجام عملیات خیبر توسط رزمندگان اسلام صریحاً اعلام می‌کرد هرگونه عملیات نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق را با شکست روبرو خواهد ساخت

نقش عملیات در تحقق راهبرد تنبیه متجاوز

مسئولین سیاسی نظامی معتقد بودند که انجام عملیات موفق بزرگ در جبهه‌ی جنوب به میزان قابل ملاحظه‌ای در تحقق تنبیه متجاوز (به عنوان استراتژی جنگ در بُعد سیاسی) مؤثر خواهد بود. از این رو، عملیات خیبر که در شمال بصره انجام شد حائز اهمیت استراتژیک بود.

دلایل انتخاب منطقه عملیات

پیچیدگی و پر مانع بودن خطوط دفاعی عراق در جبهه جنوب و استحکامات و تعداد خاکریزهای آن موجب شد که فرماندهان سپاه در پی منطقه‌ای برای عملیات باشند که امکان استفاده از توانایی خودی امکان‌پذیر باشد و از انجام تک جبهه‌ای پرهیز شود. منطقه هورالهویزه عمدتاً دارای این ویژگی بود. در واقع، رزمندگان اسلام می‌توانستند یکبار دیگر حمله به دشمن را توأم با غافل‌گیری، از جناح و بدون برخورد با خطوط پر مانع، انجام دهند. علاوه بر این، دلیل دیگری که موجب انتخاب منطقه عملیاتی خیبر شد، بی‌توجهی دشمن به آن بود. عراق چون تصور می‌کرد که ایران از این نقطه حمله نخواهد کرد، سازمان مناسب نظامی نیز در منطقه نداشت. لذا کل منطقه عملیاتی از العزیز تا القرنه و جزایر مجنون به وسیله چند گردان پدافند حفاظت می‌شد. در واقع، منطقه هور با در نظر گرفتن توان خودی و دشمن و نیز نقش زمین و تأثیرگذاری آن، انتخاب شد.^(۶)

موقعیت منطقه

منطقه عملیاتی خیبر از لحاظ موقعیت جغرافیایی در شمال بصره واقع شده که از شمال به العزیز و روستاهای البیضاء و الصخره، از جنوب به نشوه و طلائیه، از غرب به جاده العماره - بصره و از شرق به حاشیه ساحلی هور، نزدیک جاده سوسنگرد - طلائیه، منتهی می‌شود. موقعیت‌های مزبور در خشکی شرق دجله،

جنوب جزایر مجنون و داخل هور قرار دارد.

هورالهویزه از آب‌های راكد تشکیل شده و آب رودخانه‌های دجله، کرخه‌نور طیب، دویرج و باران‌های فصلی داخلی آن می‌شوند.^(۷) وجود نیروها و شکل طبیعی آن‌ها موجب شده که راه‌های معینی برای تردد قایق‌ها ایجاد شود که اصطلاحاً آبراه نامیده می‌شوند. مهم‌ترین نقاط هور، جزایر شمالی و جنوبی مجنون هستند که از لحاظ اقتصادی و نظامی بسیار حائز اهمیت می‌باشند. پل‌های الغدیر، القرنه و نشوه که بر روی جاده بصره - الاعماره واقع شده‌اند و نیز رودخانه دجله از جمله نقاط مهم دیگر این منطقه به شمار می‌روند.

وضعیت دشمن

همانگونه که بیان شد، چون ارتش عراق تصور نمی‌کرد که ایران از منطقه هور دست به عملیات بزند، در آن‌جا خط دفاعی مشخصی که شامل رده‌های مختلف پدافند، موانع و استحکامات باشد، نداشت. در داخل جزایر مجنون نیرویی در حد یک گردان از جیش‌الشعبی قرار داشت. در محور شمالی (العزیز - رُطه) و

محور جنوبی (القرنه) نیز نیروهای مرزی به عنوان افراد پاسگاه مستقر بودند. فقط در محور طلائیه که قرارگاه فتح عمل می‌کرد، خط دفاعی مستحکم توأم با موانع و کانال، وجود داشت.^(۸) در محور زید نیز که قرارگاه کربلا وارد عمل می‌شد، موانع و خطوط دفاعی دشمن از پیچیدگی خاصی برخوردار بود.

به طور کلی در منطقه عمومی خیبر، آرایش نظامی دشمن بدین ترتیب بود:

لشکر ۱۹ پیاده (۵ تیپ و یک تیپ زرهی)،
لشکر ۶ زرهی (۳ تیپ) و نیروهای جیش‌الشعبی و پاسگاه‌های مرزی.^(۹)

عملیات خیبر یک ابتکار عمل در جنگ تحمیلی بود که تا آن زمان (سال ۱۳۶۲) نظیر نداشت.

طرح مانور

آن مأموریت داشتند که سه راهی القرنه محل تقاطع (مسیر بغداد - بصره - العماره) را مسدود نمایند. در این میان، عقبه دور تا خط مشکل بزرگی برای آن‌ها به شمار می‌رفت.

قرارگاه حنین: تصرف جزیره جنوبی و نیمه شرقی و شمال جزیره شمالی و الحاق با محور طلائیة. قرارگاه فتح: شکستن خط پر مانع طلائیة و الحاق با قرارگاه حنین. مأموریت فتح آن بود که با شکستن خط و باز کردن راه زمینی، امکان پشتیبانی قرارگاه‌های حنین و نصر و حدید را فراهم نماید. همچنین انجام مرحله دوم عملیات به سوی نشوه و پل دویجی که توسط قرارگاه بدر صورت می‌گرفت به میزان قابل ملاحظه‌ای بستگی به باز شدن راه زمینی داشت.

قرارگاه بدر: تصرف نیمه غربی جزیره جنوبی پل نشوه، بعد از تصرف جزایر به وسیله قرارگاه حنین و تأمین سه راه القرنه به وسیله قرارگاه حدید. به دلیل اهمیت مأموریت قرارگاه بدر، دو لشکر مهم سپاه به آن مأمور شده بود.

قرارگاه نوح نیز ترابری دریایی و پشتیبانی یگان‌های عمل‌کننده را در هور به عهده داشت.^(۱۰) علاوه بر این، هوانیروز مأموریت داشت در امر انتقال نیرو و امکانات به محورهای عملیاتی هور (که فاقد راه زمینی بود) فعالیت نماید. در این محورها نقش هلی‌کوپتر بسیار مهم بود. به همین خاطر فرمانده هوانیروز به همراه فرماندهان ارشد آن یگان برای انجام عملیات در کنار هور حاضر شده و به وظایف خود عمل می‌کردند. نیروی هوایی ارتش نیز پشتیبانی و پدافند هوایی را به عهده داشتند. در این عملیات هواپیماهای F۱۴ به نحو خاصی در برقراری امنیت هوایی فعالیت می‌کردند. این نقش آن چنان بود که در روزهایی که این هواپیماها در آسمان منطقه حاضر نمی‌شدند، جنگنده‌های میگ عراقی مانند پرنده‌های هورالهویزه، به وفور و به راحتی مواضع رزمندگان اسلام را بمباران می‌کردند.^(۱۱)

با هدف تصرف بصره، دو محور مستقل برای انجام عملیات انتخاب شد؛ هورالهویزه و زید. در هور قرارگاه نجف (سپاه) و در محور دیگر قرارگاه کربلا (ارتش) در نظر گرفته شدند. با این تفاوت که عملیات اصلی و تعیین‌کننده در هور بود. در این محور پنج هدف اصلی مشخص شد: ۱. الغریر. ۲. القرنه. ۳. جزایر مجنون جنوبی و شمالی. ۴. نشوه. ۵. طلائیة.

در محور زید، یگان‌های ارتش پس از عبور از خط باید روی پل دویجی (واقع در غرب نهر کتبان) به یگان‌های سپاه ملحق شده و سپس در مرحله سوم، برای حمله به بصره طرح‌ریزی صورت می‌گرفت. در واقع، پل دویجی مرحله پایانی عملیات خیبر بود. اما بصره به عنوان هدف عملیات عنوان شد تا آمادگی یگان‌ها و خیزی که برداشته می‌شد انگیزاننده مرحله بعدی عملیات باشد. سپاه برای تصرف هدف‌های عملیات

مسائل مهم سیاسی قبل از عملیات خیبر:

۱. اعلام وزارت خارجه امریکا در مورد تصمیم این کشور مبنی بر علنی کردن حمایت خود از عراق.
۲. تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد به عراق.
۳. تصویب قطع‌نامه ۵۴۰ شورای امنیت در مورد جنگ به تاریخ ۹ آبان ۱۳۶۲.
۴. انفجار مقرر تفنگداران امریکایی در بیروت.

پنج قرارگاه تشکیل داد و مأموریت تصرف هر یک از هدف‌ها را به یکی از قرارگاه‌ها واگذار کرد.

قرارگاه نصر: تصرف و تثبیت محور الغدیر. مأموریت این قرارگاه به غایت دشوار و حساس بود. افراد آن وظیفه داشتند که با مسدود کردن جاده العماره - بصره، ضمن تأمین جناح شمال عملیات مانع از ورود دشمن به جنوب این محور شوند. آنان برای رسیدن به هدف مزبور و پشتیبانی از آن می‌بایستی مسیری طولانی را طی کنند که دشواری انجام مأموریت آن‌ها را مضاعف می‌کرد.

قرارگاه حدید: تصرف و تثبیت محور القرنه. این قرارگاه نیز وظیفه سنگینی را به عهده داشت نفرات



از چپ به راست: برادران احمد غلامپور، غلامعلی رشید، عزیز جعفری، غلامحسین بشردوست و امین شریعتی؛ خلیج فارس؛ ۱۳۶۲/۱۱/۱۰

شرح عملیات

برای آنکه غافل‌گیری در انجام عملیات به طور کامل رعایت شود، قبل از تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۲ چند عملیات فریب در محورهای جنوب، میانی و غرب انجام شد. در محور جنوب عملیات چزابه، در محور عملیات والفجر ۵ (چنگوله) و عملیات والفجر ۶ (چیلان) و در

به دست نیامد و صبح عملیات، یگان‌های ارتش به عقب آمده و در خط قبل از عملیات مستقر شدند. وضعیت فوق‌الذکر مانع از آن بود که یگان‌های سپاه بتوانند در محورهای القرنه و الغدیر بمانند، زیرا عدم امکان پشتیبانی آن‌ها و باز نشدن راه زمینی و همچنین حضور سریع دشمن که با اعلام آماده باش در مرکز استان العماره و انتقال یگان‌های ارتش عراق همراه بود، با زرهی و اجرای آتش، فشار زیادی بر آن محور وارد می‌کرد، از این رو قرارگاه‌های نصر و حدید به ناچار به داخل جزیره شمالی عقب‌نشینی کردند. از این پس، جزیره محور کنش و واکنش طرفین میدان نبرد بود و این در حالی بود که به دلیل عدم تثبیت مواضع به دست آمده در جزیره و مشکل پشتیبانی آتش، تجهیزات و تأمین نیروی انسانی، نسبت به سرنوشت جزیره نیز شدیداً احساس خطر می‌شد. شرایط موجود بسیار سخت بود و در حالی که امید زیادی به عملیات بسته شده بود، تمام دستاوردها در حال سقوط بود. برادر محسن رضایی فرمانده سپاه به یکی از روحانیون حاضر در قرارگاه گفت: (در طول جنگ، ما اینجور ذوب نشدیم).^(۱۳)

غرب عملیات قدس (در بندرخان) صورت گرفت. در محور اصلی نیز یک روز جلوتر - نیروها وارد هور شده و در داخل آبراه تا حد ممکن به جلو رفتند.

به هر تقدیر، در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۲ ساعت ۲۱:۳۰ عملیات خیبر با رمز "یا رسول الله" آغاز شد. در مرحله‌ی اول در طرف قرارگاه نجف، قرارگاه‌های نصر و حدید موفق شدند در محور الغدیر و القرنه هدف‌های خود را تصرف کنند. در جزایر شرایط مطابق برنامه تحقق نیافت، عدم پاکسازی جزایر تا ۳:۳۰ نیمه شب مانع از آن شد که نیروهای بعدی بتوانند برای (بعد از تصرف جزایر) حمله به طرف طلائیة بروند. لذا در شب اول عملیات الحاق انجام نشد و به همین خاطر قرارگاه فتح باید پس از پاکسازی جزیره به آن محور ملحق شود. اما با مشکل مواجه شد و به رغم شکستن خط و رسیدن به نزدیکی محل الحاق، مجبور شد متوقف شود و نهایتاً به خاطر حضور پر حجم دشمن در محور طلائیة و مقاومت آن‌ها، با وجود انجام چند حمله برای الحاق طلائیة با جزیره، این مهم میسر نگردید. در محور زید، قرارگاه کربلا، کم‌ترین موفقیتی

رضایی اظهار داشت: "ما اعلام کردیم که هر کس (هر یگان) هر چه در چننه دارد بیورد میدان."

برادر محسن رضایی: ما هم گفته‌ایم که افراد تا حد فرمانده لشکر باید بچنگند. حتی اگر سازمان رزم سپاه مختل شود.^(۱۴)

به هر تقدیر، پس از نشست فرماندهان با آقای هاشمی، تشخیص داده شد که راه نجات جبهه و خارج

کردن آن از بن‌بست، حمله مجدد از محور طلائی است تا بلکه با باز شدن راه زمینی، گره عملیات گشوده شود. در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۶۲ حمله مورد نظر آغاز شد. اما به نظر می‌رسید که مشکل آب مانع بزرگی است. حدود ساعت یک بامداد دو تن از مسئولان و فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) به قرارگاه آمده و وضع زمین را که بر اثر انداختن آب توسط دشمن، باتلاقی شده و عبور از آن مشکل شده بود به آقای هاشمی گزارش دادند. ایشان در پاسخ آن‌ها با عصبانیت اظهار داشت:

«این امر امام است که شما در هر شرایطی باید بروید جلو. اگر ما نتوانیم این ۷-۸ کیلومتر را برویم جلو، دیگر نمی‌توانیم بچنگیم. الان صدام آن تبلیغات را به پا کرده، صد هزار (نفر) نیرو پشت سر شما معطل مانده و آبروی جمهوری اسلامی در خطر است. بروید هر طور که می‌توانید خودتان را به دشمن برسانید.»

برادر، شهید دستواره در مقابل این اظهارات گفت: «چشم می‌رویم که یا شهید شویم و یا این‌گونه نزد شما برنگردیم.»

آقای هاشمی در بیان دیگری که در جمع فرماندهان ایراد شد، اظهار داشت:



گروهی از برادران در کنار یک دستگاه خودرو متعلق به مخابرات مخصوص شنود مکالمات دشمن؛ هویزه؛ ۱۳۶۲/۱۲/۲۰

برای خارج شدن از این وضع حاد، سپاه تصمیم گرفت مجدداً تمام توان خود را متوجه باز کردن محور طلائی نماید، در حالی که تلاش‌های قبلی در این محور ناکام مانده بود. از طرف دیگر اوضاع نابسامان جبهه موجب تزلزل عمومی گردیده بود و حفظ جزایر نیز در حاله‌ای از ابهام و تردید قرار داشت. در این زمینه گفت‌وگوی ضبط شده برادر رحیم صفوی با فرمانده سپاه مبین این ابهام است:

برادر رحیم صفوی: جزایر را چه کار کنیم؟
برادر محسن رضایی: باید به هر قیمتی شده آن را حفظ کرد.

برادر رحیم صفوی: نمی‌شود حفظ کرد. بمب شیمیایی می‌ریزند. امکان حفظ آن وجود ندارد. عدم امکان حفظ جزایر را به آقای هاشمی (رفسنجانی) بگوییم؟
برادر محسن رضایی: نه، ما می‌توانیم جزایر را نگه داریم.^(۱۳)

در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۶۲ پس از آنکه اخبار اوضاع جبهه به تهران منتقل شد، آقای هاشمی رفسنجانی رییس مجلس شورای اسلامی که فرماندهی جنگ را به عهده داشت به منطقه آمد و به سرعت خود را به سنقر فرماندهی سپاه رساند. وی به برادر محسن

«من خدمت امام هم عرض کردم و ایشان هم تأیید کردند که طوری برنامه‌ریزی کنید که در همین

جا جنگ را تمام کنیم. چون این امر دیگر برای کشور قابل تحمل نیست»^(۱۴)

به هر ترتیب، به رغم تلاش زایدالوصف یگان‌های سپاه، به خاطر مقاومت و سماجت فوق‌العاده دشمن، باز هم حمله به طلائیه ناکام ماند. عراقی‌ها که در آغاز حمله مجبور شدند برخی مواضع خود را ترک کنند و به عقب بروند، با فرا رسیدن روز، پاتک‌های پیاپی خود را آغاز کردند و سرانجام مانع پیشروی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و لشکر ۲۷ حضرت رسول^(ص) شدند. در جریان حملات دشمن، برادر حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین^(ع) به شدت مجروح شد و دست راستش قطع گردید و در حالی که بدنش پر از ترکش بود، او را از میدان خارج کردند.^(۱۵)

فتح نشدن محور طلائیه وضعیت جدیدی را به دنبال داشت. از این پس، جبهه خودی باید قابلیت و توانایی خود را در حفظ جزایر نشان می‌داد و از حیثیت جمهوری اسلامی دفاع می‌کرد. کاری که به غایت دشوار می‌نمود و این در حالی بود که باور عمومی حاکم بر جبهه آن بود که حفظ جزایر یا عملی نیست و یا بسیار دشوار است و باید بهای زیادی برای آن پرداخت.

عراق پس از آنکه توانست رزمندگان اسلام را از محورهای الغدیر، القرنه و طلائیه وادار به عقب‌نشینی نماید بیرون راندن نیروهای مستقر در جزایر را نیز محتمل می‌دانست. به ویژه آنکه از لحاظ عقبه، آتش، دفاع ضد هوایی، زرهی و ضد زره و ده‌ها عامل دیگر، بر نیروهای خودی برتری داشت.

به هر صورت، از توقف محور طلائیه تا شروع حمله به جزایر، حدود پنج روز جبهه‌ها حالت عادی داشت و تلاش خاصی از جانب دشمن مشاهده نمی‌شد. در اولین روزهای این مدت رکود، در بعدازظهر ۱۴ اسفند ۱۳۶۲ بیت امام^(ع) به قرارگاه اطلاع داد که فرمانده

از بین برود.^(۱۷) برادر شمشانی قائم مقام فرمانده کل سپاه به فرماندهان لشکرهای عاشورا و حضرت رسول^(ص) اظهار داشت:

"بروید جزایر را حفظ کنید، این دستور امام است و من خودم می‌آیم، آر.پی. جی می‌زنم. به هر حال احتمال پاتک به جزایر زیاد است."^(۱۸)

علاوه بر این، برادران محمد باقری، رشید علینور و حسن دانایی به جزیره رفتند. مرخصی بسیجی‌ها لغو شد و به طور کلی تمام فرماندهان سپاه به جز برادر محسن رضایی و در برخی مواقع برادر شمشانی، به داخل جزیره رفتند تا با همفکری یکدیگر راه‌های حفظ جزایر را مشخص کنند.

مطابق پیش‌بینی امام^(ع) و فرماندهان، پس از چند روز رکود، در ۱۶ اسفند ۱۳۶۲ عراق پاتک به جزیره جنوبی را به وسیله اجرای آتش سنگین، بمباران وسیع هوایی و استفاده از هلی‌کوپتر، تانک و نیروهای پیاده، آغاز کرد. بیت امام^(ع) که مرتب اوضاع جبهه را دنبال می‌کرد، با اطلاع از شروع پاتک عراق به جزایر، با قرارگاه تماس گرفته و حجت‌الاسلام حاج احمد آقا خمینی از فرمانده سپاه جویای وضعیت شد.

خسته شده‌اند. آتش [دشمن] به شدت زیاد است. جاده، آب، غذا و نیرو کم است. پلیت و الوار برای ساختن سنگر، نیست و لودر و بلدوزر برای احداث خاکریز وجود ندارد. نیروها در خط، آر.پی.جی و کلاشینکف دارند و از ادوات استفاده می‌کنند. از شدت حمله دشمن، بچه‌ها دیگر قادر نیستند فکر کنند. این جزیره طلسم شده و ما هر کاری می‌کنیم با مشکل مواجه می‌شویم.»^(۲۰)

در همین اوضاع، آقای انصاری از بیت امام^(ع) در تماس با قرارگاه جویای وضعیت شد. حجت‌الاسلام محلاتی نماینده امام^(ع) در سپاه به ایشان گفت:

«به امام بگویید شب حمله است، دعا بفرمایند.»^(۲۱) روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۲ نیز عراق باز هم حملات خود را از سر گرفت. اما این بار هم رزمندگان اسلام با گوشت و پوست و دادن خون، ماشین جنگی ارتش بعثی را متوقف کردند. شهادت فرماندهی چون حاج همت، یاغچیان، حمید باکری، اکبر زجاجی، بهروز غلامی و ... بهایی بود که برای خط جزایر پرداخته شد.

طی این ۳ روز، اوج حماسه و استقامت و شهادت‌طلبی سپاهیان و بسیجیان به نمایش گذاشته شد. جزیره سمبل پایداری و استقامت شده بود. آقای هاشمی رفسنجانی در این زمینه اظهار داشت:

«این جزیره شده سمبل قدرت ما و ضعف عراق. مقاومت شما در دنیا خیلی معنا دارد و باید حفظ شود. جزیره‌ها مهم است، این عقیده من است نه سیاست.»

ایشان در مورد نتایج این عملیات افزود:
«در صدام شکست پیدا شده، مثلاً عربستان و ترکیه به ما پیشنهاد اسلحه کردند. این‌ها نشانه تزلزل عراق است.»

به هر تقدیر، حمله ۷۲ ساعته عراق با شکست مواجه شد. این ناکامی موجب توقف حملات دشمن گردید و بالاخره در پی فرمان امام^(ع)، جزایر حفظ شد.

برادر محسن رضایی در پاسخ گفت: «از لحاظ مهمات خیلی در مضیقه هستیم. الحمدالله وضع خوب است، ولی عراق با تمام قوا حمله می‌کند. حمله عراق در ۱۶ اسفند ۱۳۶۲ بدون نتیجه پایان یافت. اما در روز ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ از صبح مجدداً حمله را آغاز کرد. این بار حمله دشمن و استفاده‌اش از ابزار و تسلیحات، شدیدتر و وسیع‌تر بود. در مقابل، وضع جبهه خودی بسیار حاد و مهم‌ترین مسأله، کمبود نیرو و مهمات بود. در حالی که به شدت به مهمات نیاز بود، سرهنگ موسوی قویدل یکی از فرماندهان ارتش اعلام کرد که کلاً ۱۳۰۰ عدد گلوله ۱۳۰ م.م. در اختیار داریم.

همچنین برادر رشید از داخل جزیره پیام داد که اگر نیروهای حاج همت [لشکر حضرت رسول^(ص)] نرسند، احتمال سقوط خط این لشکر زیاد است. عراقی‌ها نیز از جنگ روانی استفاده کرده و اعلام کردند که اگر جزایر را خالی نکنید، آن‌جا را به موشک می‌بندیم و به شدت بمباران می‌کنیم»^(۱۹) در این روز دفتر امام^(ع) به طور مستمر در تماس با قرارگاه، تحولات جنگ

هاشمی رفسنجانی:

«این جزیره [مجنون] شده سمبل قدرت ما و ضعف عراق. مقاومت شما در دنیا خیلی معنا دارد و باید حفظ شود. جزیره‌ها مهم است، این عقیده من است نه سیاست.»

را پیگیری می‌کرد.

روز ۱۸ اسفند ۱۳۶۲ دوباره عراق حمله خود را با شدت هر چه تمام‌تر آغاز کرد و سپاه و بسیج با آن‌چه در دست داشتند پایداری و استقامت کرده و مانع از پیشروی دشمن شدند. شرایط و مقدرات بسیار سخت و محدود بود. ضمن آنکه دشمن استفاده از سلاح‌های شیمیایی را هم وارد صحنه کرده بود. برادر رشید از جزیره به قرارگاه آمد و در مورد آنجا گفت:

«وضع خط خراب است. دشمن رخنه کرده و هر شب دارد پیش می‌آید. [عراق] دائماً نیرو می‌آورد و شدت عمل به خرج می‌دهد. نیروهای [ما] در خط

نتایج عملیات

در این عملیات بیش از ۲۳ یگان دشمن به طور متوسط از ۲۰ تا ۱۰۰ درصد و تیپ زرهی ۱۰۰ درصد منهدم شدند.

۱۵۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی زخمی و کشته شدند.

۱۱۴۰ نفر از نیروهای دشمن اسیر شدند که در میان آن‌ها ۳۵ افسر، ۱۳۰ درجه‌دار، ۸۷۳ سرباز و نیروی جیش الشعبی و نیز ۱۰۲ نفر غیر نظامی از کشورهای مصر، سودان، مراکش، سومالی و عراق وجود داشت.

۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ خودروی دشمن منهدم گردید.

مجموعاً ۱۱۸۰ کیلومتر زمین‌های منطقه آزاد شد که به ترتیب ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در هور، ۱۴۰ کیلومتر مربع در جزایر و ۴۰ کیلومتر مربع را در طلائییه شامل می‌شود.

در میان غنائم دشمن، گذشته از اقلام صنعتی و تجهیزات انفرادی، ۱۰ دستگاه تانک و ۶۰ دستگاه کمپرسی به چشم می‌خورد.

تسلط ایران بر چاه‌های نفت جزایر^(۲۲) که ذخایر قابل ملاحظه‌ای از نفت در آن‌ها وجود دارد.

بازتاب سیاسی

پس از یک دوران رکورد که خالی از ابتکار بود، انجام عملیات خیبر بازتاب وسیعی در سطح منطقه و جهان ایجاد کرد. حامیان عراق در منطقه و جهان پس از آرامشی که در پی طوفان سلسله عملیات طرح کربلا (که آخرین آن رمضان بود) برایشان ایجاد شده بود، یک‌باره مشاهده کردند که تاکتیک ویژه ایران، بار دیگر بر تدبیر خط دفاعی پر مانع عراق غلبه کرده است. از این‌رو شدیداً نگران پیروزی احتمالی ایران در جنگ شدند. تشکیل اجلاس‌ها، اظهارات مقامات سیاسی، مصوبات سازمان‌ها، تحریم تسلیحاتی ایران و غیره الگوهای این تحلیل هستند.

امریکا در اولین اقدام خود که در واکنش نسبت به وضعیت جدید جنگ نشان داد، مورفی معاون وزارت خارجه را به منظور بررسی اوضاع جنگ تحمیلی به خاورمیانه فرستاد. روزنامه وال استریت ژورنال نیز نوشت:

«تهیه طرح‌های جدید، چاره اندیشی در مورد جلوگیری از سقوط صدام است.»^(۲۳)

ترنر، رئیس سازمان سیا اظهار داشت: "عراق از لحاظ اقتصادی و نفرات در وضع وخیمی قرار داد."

همچنین معاون وزیر خارجه امریکا در یک واکنش انفعالی گفت:

"امریکا انجام یک حمله گسترده به جزیره خارک را ناممکن نمی‌داند."^(۲۴)

در واقع، این اظهارات را می‌توان خط جدید اقدام نظامی برای عراق دانست. زیرا عراق پس از پیروزی خیبر، مرحله جدیدی را در جنگ آغاز کرد که همان جنگ نفت‌کش‌ها و حمله به پایانه‌های نفتی، تأسیسات نفتی خارک و ... بود. این اقدام با چند هدف عمده صورت می‌گرفت: اول،

تحت‌الشعاع قرار دادن پیروزی و ابتکار نظامی ایران در عملیات خیبر، دوم، محدود کردن درآمدهای ارزی ایران از طریق فروش نفت. سوم، بین‌المللی کردن جنگ. اقدام دیگر عراق، اعلام برقراری ارتباط با آمریکا بود.

واکنش بین‌المللی دیگری که پس از عملیات خیبر انجام گرفت، تصویب قطع‌نامه ۵۵۲ توسط شورای امنیت سازمان ملل بود که در تاریخ اول ژوئن ۱۹۸۴ (۱۱ خرداد ۱۳۶۳) صورت گرفت.

معاون وزیر خارجه امریکا در یک واکنش انفعالی گفت: "امریکا انجام یک حمله گسترده به جزیره خارک را ناممکن نمی‌داند."

ارجاعات:

۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، طرح کلی: روز شمار جنگ تحمیلی، ۱۳۶۸، ص ۹۷.
 ۲. همان، ص ۱۰۱.
 ۳. همان، ص ۹۶.
 ۴. پیشین، عباس هدایتی خمینی، ص ۹۶.
 ۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۹۹.
 ۶. درودیان، محمد، از خرمشهر تا وفا، تهران: مرکز مطالعات و جنگ، ۱۳۷۸، ص ۷۶.
 ۷. اردستانی، حسین، گزارش عملیات خیبر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۳، ص ۲۱.
 ۸. پیشین، ص ۵۴.
 ۹. همان، ص ۵۶.
 ۱۰. همان، صص ۳۷-۴۱.
 ۱۱. همان، ص ۳۷.
 ۱۲. اردستانی، حسین، دفترچه شماره ۱ قرارگاه نجف (خاتم)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۶۲/۱۲/۸، ص ۱۰۴.
 ۱۳. پیشین، ص ۱۰۶.
 ۱۴. همان، ص ۱۰۷.
 ۱۵. همان، ۱۵۹.
 ۱۶. همان، ص ۲۰۵.
 ۱۷. همان، ۱۳۶۲/۱۲/۱۴، ص ۲۱۱.
 ۱۸. همان، ص ۲۰۵.
 ۱۹. همان، ص ۲۳۱.
 ۲۰. همان، ص ۲۴۱.
 ۲۱. همان، ص ۲۴۹.
 ۲۲. مأخذ، صص ۸۵-۸۶.
 ۲۳. مأخذ ۱، ص ۱۰۵ به نقل از از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۱/۲۰.
 ۲۴. همان، ص ۱۰۶.
- در سطح منطقه، شورای همکاری خلیج فارس دوباره تشکیل جلسه داد. موضوع جلسه اتخاذ استراتژی نظامی و چگونگی پایان دادن به جنگ ایران و عراق بود. وزرای کشورهای عضو اتحادیه عرب نیز در همین جهت در بغداد جلسه تشکیل دادند و به بررسی جنگ و موضع خود در برابر آن پرداختند.
- در سطح داخلی، هواپیماهای بوئینگ ۷۳۷ فرانسوی که ربوده شده بود به ایران آورده شد و پس از تلاش‌هایی که جمهوری اسلامی ایران برای حل مسالمت‌آمیز آن به عمل آورد، سرانجام هواپیما به وسیله هواپیما ربایان منفجر شد. علاوه بر این، سازمان منافقین نیز هواپیمای مسافربری ۷۲۷ ایران را در مسیر بندرعباس- تهران ربوده و به قاهره بردند. آن‌ها در مرحله بعد با همراهی رژیم مصر، هواپیمای ایران را به بغداد منتقل کردند.
- از جمله تحولات دیگری که پس از عملیات خیبر روی داد، فشار اقتصادی و تحریم (رسمی) تسلیحاتی ایران توسط کشورهای غربی بود.